

چهره‌ی ایران در کتاب‌های درسی مدارس قزاقستان (سال 2010)

داود اسپرهم¹

چکیده

ایران در ادوار میانی گستره‌ای به وسعت ایران امروز و کشورهای همسایه شرقی و شمالی داشته است. ترکان افتالیت در طول تاریخ طولانی ایران بزرگترین معارضان در جانب شرقی بوده اند. بارها خود را بر ایران تحمیل کرده اند اما تسلط آنان همیشه ناپایدار بوده است. مفاخر این سرزمین چونان ابن سینا و رودکی و فردوسی برگ زرین شناسنامه‌های ایرانیان بوده و هستند. دوره نخست صفویه شکوه و عظمت منطقه بل جهانی داشته است. این شکوه در دوره دوم صفوی فرو می ریزد و بدین ترتیب پای بیگانگان غرب به ایران باز می شود. رقابت ویرانگر صفوی و عثمانی شکوه شرق را به نابودی می کشد. در تمام این دوره ها مردم ایران بی نصیب ترین مردم جهان اند. آنان هیچ بهره ای نه از دولت های خود و نه از دول بیگانه نمی برند. اقتصاد ایران گرچه در مقاطعی رونق می گیرد اما به دلیل بی کفایتی حاکمان چندان دوام نمی آورد. ایران در آغاز قرن بیستم کشوری عقب مانده با اقتصادی وابسته و ویران است. پیمان نامه های استعماری یک جانبه نیز خود سنگی بر گور شکوه تاریخی ایران می شود. اما ایران امروز با چه نارساییها و مشکلاتی دست به گریبان است؟ این ها مطالبی است که در کتب درسی مدارس کشور همسایه (همسایه آبی) ما قزاقستان به فرزندانشان آموخته می شود. توجه به ارزیابی دیگران نسبت به دیروز و امروز ما و داوری آنان را نباید امری سهل انگاشت.

کلید واژه ها: ایران، قزاقستان، کتابهای درسی.

¹ - عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی با همکاری خانم انلیک قاسابکوا و قورالقازی قیزی، رایانامه:

[-d-sparham@yahoo.com](mailto:d-sparham@yahoo.com)

مقدمه :

ایران تاریخی و ایران امروز از نظر همسایگان شمالی چه ویژگی هایی دارد؟ آنان به کدام بخش از تاریخ پر فراز و نشیب این سرزمین توجه نموده اند؟ با توجه به تاریخ مشترک بین ایران و تمام سرزمین های شرقی و شمال شرقی چه تصویری از ایران تاریخی در اذهان ملل همسایه وجود دارد؟ ایران امروز و دیروز را چگونه ارزیابی می کنند؟ پاسخ پرسش های فوق و ده ها پرسش اساسی نظیر این زمانی روشن می شود که به کتب آموزشی کشورهای همسایه توجه کنیم تا ببینیم آنان چه معلوماتی از ما به فرزندان خویش می آموزند و چه اطلاعات درست یا نادرستی از ما در ذهن تاریخی آنان شکل گرفته است. به این منظور این جانب در طول ماموریت آموزشی ام در کشور قزاقستان کتاب های تاریخی مدارس آنان را مطالعه نموده و تمام مطالب راجع به ایران را استخراج کردم. در آموزش و پرورش کشور قزاقستان از سال هفتم مدرسه تا کلاس یازدهم کتابی به نام تاریخ جهان خوانده می شود.¹ سهم کشور ایران در آن کتب به تفصیل در این نوشته منعکس شده است. هر کدام از این کتاب ها به صورت جداگانه بررسی شده؛ از این رو این نوشته شامل پنج بخش هر کدام مربوط به یکی از پنج کتاب تاریخ مدارس قزاقستان است. بر خود لازم دیدم موارد مبهم را با توضیحات مختصر روشن سازم.

بخش نخست

کتاب تاریخ جهان² (سال هفتم)

در این بخش به بازتاب ایران در کتاب درسی سال هفتم می پردازیم. آنچه از ایران در این کتاب آمده مربوط به اوضاع ایران در سده های میانی است. در صفحه 26 این کتاب ذیل عنوان « رشد فرهنگی ایران » صنعت قالی بافی ایران معرفی شده است³ . در صفحه 30 ذیل عنوان « سیستم فنودالی آسیای میانه در سده های میانی » درباره ایران چنین آمده است:

« در سده پنجم و ششم در آسیای میانه؛ افغانستان، شمال هند، شرق ترکستان، حکومت افتالیت⁴ تشکیل شد. سرزمین و جغرافیای اصلی قوم افتالیت عبارت بود از؛ شرق ایران و طغارستان و شرق افغانستان. قبیله های افتالیت نظام متحد داشتند. بعد از

¹ از کلاس نخست تا سال هفتم هیچ سخنی از ایران در کتاب های درسی قزاقستان دیده نشد.

² نام مولفان این کتاب: س. ماشیمبایف، س. تاربیایف، م. ماژنوا، و. تکاچنکا - سال انتشار: 2007

³ با توجه علاقه همسایگان به صنعت تاریخی قالی بافی ایران لازم است اطلاعات جامعی از سوی ایران به سازمان آموزش و پرورش قزاقستان (و کشورهای مشترک المنافع) درباره تاریخ صنعت قالی بافی و وضعیت گذشته و حال آن ارایه شود.

⁴ Haftaalit یا هپتالیان یا هفتالیان یا یفیالیان یا هیاطله یا هونهای سفید. برخی محققان از احتمال انتساب تاتارها، و مغولها، به «شی - وی» ها - که آنها را « مغولهای ابتدایی » دانسته اند یعنی همین هفتالیان (هونهای سفید/ افتالیت / هپتالیان / هیاطله)، سخن به میان آورده اند (د. اسلام، چاپ دوم، ذیل واژه «دا. ترک، ج 12، ص 51-52 / بلنیتسکی، ص 165، 166، 168). ظاهراً نسب هونهای سفید نیز به هونها؛ همان « هسیونگ - نو» ها در منابع چینی - از بازماندگان اقوام «بی - ذی» یا همان «وحشی های شمالی» یاد شده در منابع چین باستان - می رسد (پیرنبا، ج 3، ص 2254). درباره خاستگاه تاتارها گفته اند که ایشان نیز مانند ترکها در بین سال های 545 - 554 و در پی آنان، در نیمه دوم قرن ششم از ارتفاعات آلتای (بین چین و مغولستان، و سرزمینهای آسیای مرکزی) در جهت شرق و شمال شرق، به استپ های مغولستان،

آن مملکت بزرگی در افغانستان امروز تشکیل دادند. پس از قوی تر شدن، حمله به کشورهای همسایه را شروع کردند و ساسانیان را شکست داده مالیات دهنده و خراجگزار خود کردند. ایرانیان نیز مجبور بودند به آنها مالیات پردازند.¹ در سال 565 م. داخل مملکت افغانیته مخالفانی پیدا شدند و همزمان با ضعیف شدن مملکت افغانیته از لحاظ سیاسی و اجتماعی، خسرو پادشاه ایران² 531-576 م. سرزمین آنان را فتح کرد. پادشاه ایران (خسرو) شهرهای بست، کابل و سند در سرزمین طغارستان را نابود ساخت.³ در سال 588 م. امپراتوری پادشاهی ساسانی قصد جنگ با ترکان می کند و تمام مملکت افغانیته را به زیر فرمان خود در می آورد.⁴ بهرام در سال 590 م. شاهنشاه ایران می شود و به تخت می نشیند. همه آن حوادث در سرزمین تبریز اتفاق می افتد.⁵ جنگ

منچوری، شمال چین و نواحی جنوبی تر حاشیه جنوبی سبیری مرکزی سرازیر شدند و مانند بیشتر ترکها و مغولها، همواره ناگزیر بودند که شرایط بسیار سخت اقلیمی آسیای شمالی را تحمل، و کمبودهای ناشی از آن را با جنگ و غارتگری و کوچ نشینی جبران کنند. اوضاع نامطلوب اقتصادی حاکم بر آن سرزمینها، ایشان را مردمی مقاوم و جنگجویانی قابل بار آورد، اما موجب شد که از لحاظ فرهنگی و مدنی، از همسایگانیشان در چین، هند و ممالک غرب آسیا بسیار عقب بمانند (گروسه، مقدمه، ص 43؛ اقبال آشتیانی، ص 80.79) هپتالیان حدود سال 350 م. به سوی افغانستان و شمال هندوستان سرازیر شدند. هپتالیان در موقعی که ساسانی ها در غرب و گوپتاهای هندی در شرق بر سر اقتدار بودند، نه تنها خاک افغانستان را حفظ کردند و فتوحاتی هم در هند انجام دادند ولی در نهایت، گوپتاها موفق به بیرون راندن هپتالیان از هندوستان شدند که در نتیجه، دولت مقتدر هپتالیان در افغانستان به ادارات محلی و کوچک در جنوب و شمال هندوکش مبدل شد. هپتالیه جمع هپتال است و هپتال به زبان بخارا مردی قوی باشد و نیرو را به زبان بخارا هپتال خوانند و هپتال را به تازی به هپتال گردانیده. هپتالیان، هپتالیان و هپتالیه یک نام است و این نام بر گروهی از مردم قدرتمند اطلاق می شده که مالک سرزمینهای تخارستان بوده اند. آق هون ها همان هپتالیان میباشند که به سرزمینهای کنونی ترکستان روس و ایران و هندوستان آمدند و نام آق هون یا هپتالیه یا هفتال به خود گرفتند. هون یا هپتالی، هفتالی را در پارسی میانه، خیون می گفتند. (دایرة المعارف اسلامی، مدخل هپتالیه)

¹ هپتالیان در زمان پیروز (پادشاه ساسانی) از ایالت کانسوی چین به نواحی تخارستان هجوم آوردند و در سال 484 م. پیروز را مغلوب و اسیر ساختند... آنان داخل ایران شدند و شهرهای مرو ورود و هرات را اشغال کردند و خراجی سالیانه بر ایرانیان تحمیل نمودند. (ایران در زمان ساسانیان، کریستین سن ترجمه رشید یاسمی ص 316)

² منظور انوشیروان است.

³ مهم ترین شهرهای طغارستان عبارت بود از؛ بدخشان، فاریاب، جوزجان، بلخ، سمنگان، قندوز، طالقان، ولوالج (مرکز طغارستان).

⁴ کریستین سن تاریخ شکست آنان را 561 م. تعیین کرده است.

⁵ در سال 588-589 م. در آخرین سال سلطنت هرمز چهارم، لشکریان خاقانات غربی ترک و خزر به آران و ارمنستان حمله ور شدند. در همین زمان در شرق نیز ساوه شاه به ایران حمله کرد و سپاه هفتاد هزار نفری ایران که در مرز به نگهبانی می پرداخت، مغلوب ترکان شد. بهرام در آن هنگام مرزبان ارمنستان و آذربایجان (اوریاتکان) بود. هرمز چهارم بهرام را برای مقابله به سوی ترکان گسیل داشت. این جنگ به نام نخستین جنگ ایران و ترکان شناخته شده است. بهرام دوازده هزار تن از سوارکاران را برگزید این در حالی بود که سپاه پادشاه ترکان، سیصد هزار تن ذکر شده است. آنان تا هرات و بادغیس پیش آمده بودند بهرام که سرداری دلیر بود با این سپاه اندک، سپاه خاقان را در مرزهای شرقی به شدت شکست داد حتی ساوه شاه (شابه شاه) را کشت و علاوه بر غنایم سرشار، ترکان را به پرداخت باج نیز ملزم کرد. هرمز چهارم بعد از شکست ترک ها از فتح بهرام نگران شد و او را بلافاصله به جنگ بیژانس، در ارمنستان و نواحی جنوب قفقاز فرستاد. بهرام که فرماندهی کل نیروی ایران در مقابل بیژانس را داشت از قوای بیژانس شکست سختی خورد. هرمز که می خواست غرور وی را بشکند و از این شکست باطناً خشنود بود با ارسال دوک دان و لباس زنانه، به سردار شکست خورده او را بطور اهانت آمیزی از فرماندهی سپاه، عزل کرد اما بهرام موفق شد،

های ایران و ترکان برای شکست افتالیت چند مدت طول می کشید. بعد از درگذشت بهرام، خسرو دوم به تخت سلطنت می نشیند. در طول سال های 590-627 مملکت قدرتمند ایران رو به ضعف می رود. بعد از ضعیف شدن پادشاهی ایران باز ترکان، شهرهای ری و نیشابور خراسان را فتح می کنند و در آن سرزمین، قدرت خود را حاکم می سازند و در نتیجه آسیای میانه به دست ترکان می افتد»

نگاه فوق به تاریخ سده میانی ایران از منظر یک قزاق و روس با ویژگی های سیاسی خاص نگریسته می شود. از این رو بیش از آن که شکوه قدرت سیاسی ساسانی و سیطره آنان بر قلمرو وسیع شرق مورد بحث باشد به مقطعی اشاره می شود که ترکان توانستند مدتی بر دولت ساسانی چیره گردند. به نظر می رسد تاکید بر چیرگی ترکان شرق توام با جانب تعلق است. دست کم آن مقدار از تاریخ ایران مورد توجه است که در ارتباط مستقیم با سرنوشت تاریخی آنان است.

در صفحه 123 همین کتاب به دوران متاخر توجه شده است. ابتدا راه تجارت زمینی از سوی هند به ایران بازگو می شود و نقشه ای به این منظور ارائه می گردد. در صفحه 139 درباره رشد علم و آموزش در ایران بحث می شود. در این قسمت از ابوعلی سینا به عنوان شاگرد فارابی نام برده می شود. در صفحه یاد شده چنین آمده است؛

« ابو علی ابن سینا، شاگرد الفارابی بود¹. وی پنج جلد کتاب درباره علم پزشکی به نام « کتب خمسۀ قانون »² نوشت. هم او منتخب شعری به نام کتاب علم را به دو زبان های عربی و فارسی نوشت.³ در سال 1000 م. وی با ابوریحان بیرونی ملاقات کرد و بعد از آن چند کتاب علمی دیگر نوشت. ابن سینا درباره گیاهان پژوهش گسترده ای کرد و از آنها داروی گوناگونی برای درمان بیماران ساخت.»

از دیگر بزرگان ایرانی که نظر تاریخ نویسان قزاقی - روسی را جلب کرده، حکیم ابوالقاسم فردوسی است. در همین بخش فردوسی شاعری ایرانی و تاجیکی معرفی می شود.⁴

« فردوسی سال (940-1030 م) : یکی از شاعران بزرگ عصر میانه فردوسی بود. وی شاعر بزرگ ایران و تاجیک است. برای نوشتن کتاب بزرگ خود شاهنامه 30 سال عمرش را صرف کرد. وی در این کار بزرگ خود، مبارزه و جنگ های ایرانیان با

سپاه تحت فرمان خود را نیز در اهانتی که از طرف هرمز در حق وی شده بود، شریک و همدرد سازد. بدینگونه آنها را نیز با خود، بر ضد هرمز همدستان ساخت و با موافقت و تشویق آنها، بر علیه هرمز شورش کرد (ایران در زمان ساسانیان، کریستین سن ص 465 و 466)

¹ اشاره به خواندن کتاب « اغراض ما بعد الطبیعه » فارابی که ابن سینا در جوانی آن را خریداری نوده بود و ابتدا از فهمیدن آن ناتوان بود .

² منظور کتاب « القانون فی الطب » است .

³ به نظر اشتباهی پیش آمده است . آنچه از ابن سینا درباره شعر بجا مانده یکی رساله ای است به نام « خطب و تهجدات و اسجاع و قوافی » و دیگر « قصاید عشره و اشعاری در زهد .

⁴ نویسندگان کتاب بی اطلاع بودند که در روزگار فردوسی نامی از تاجیک و سرزمین آنان نبود.

مهاجمان به کشورش را بیان می کند. فردوسی از قهرمانان بزرگ سرزمین خود تجلیل می کند. شاعر بزرگ از مردم فداکار ایران زمین و حامیان زندگی شخصی اش با احترام یاد می کند.»

و باز در همین بخش از حکیم ابوعبدالله رودکی به عنوان یک شاعر بزرگ یاد می شود. شاعری که بنیان گذار ادبیات کلاسیک فارسی است:

«رودکی (سال 860-941 م) از بنیان گذاران ادبیات کلاسیک فارسی است. ابوعبدالله رودکی یکی از بزرگترین شاعران عصر میانه بود، شاعری که در شعرهای خود از خصوصیت و شخصیت مردم زمان خود و علم و دانش آنان و رنج و دردهایشان سخن گفته است.»

بخش دوم

ایران در کتاب تاریخ جهان¹ (کلاس هشتم)

اطلاعاتی که از ایران در کتاب هشتم مدارس قزاقستان آمده از جهات کمیت و کیفیت قابل ملاحظه است. باید به این نکته توجه کرد که در یک کتاب مدرسه ای آن هم با موضوع «تاریخ جهان» سهم یک کشور نه چندان همسایه منطقی باید چقدر باشد؟ درست است که ما با قزاقستان مرز آبی مشترک داریم اما مرز خاکی دو کشور بسیار از هم دور است. پس اهمیت تخصیص بخش قابل توجهی از مطالب یک کتاب درسی به ایران جز احساس تاریخ مشترک چه می تواند باشد؟ ملاحظه شد که در کتاب سال هفتم به ایران دوره ساسانی توجه شده بود و نهایتاً به تسلط ترکان در دوره غزنوی، سلجوقی، مغول - البته بدون ذکر دقیق و مشخص از سلسله های یاد شده؛ اما در کتاب سال هشتم (از صفحه 91 به بعد) به **ایران عصر صفوی** (سده 17 م) توجه می شود؛

«در سده 17 م. ایران کشوری فتودالی و کشاورزی بود و صفویان حاکم بودند. در زمان حاکمیت صفویه بجز سرزمین امروز ایران، سرزمین های قفقاز، قسمتی از آسیای میانه تا شهر مرو و غرب افغانستان امروز، باگرات، فراه، کانداکار و همه بلوچستان جزء ایران بودند.² شغل اصلی ایرانیان در آن زمان دامداری، کشاورزی و صنایع دستی بود. صفویان از مردمان آذربایجان بودند. ایرانیان در دوره صفویه فرصت متحد کردن و یکپارچه نمودن غرب تا شرق مساپاتامیا³ تا دریای هند، از شمال تا جنوب بیابان

¹ مولفان؛ نالدابک، ک. کاجاحمتولی، م. ماکاشوا، ک. بایزاکووا - سال انتشار: 2008

² باگرات؛ در محل تلاقی رودخانه های گنگ و برهماپور واقع شده و پیش از این خلیف آباد نام داشت. فراه؛ استانی در غرب افغانستان در مرز ایران. کانداکار؛ نام قبیله ای در افغانستان امروزی. احتمالاً نام جایبش آنان نیز بوده است.

³ مساپاتامیا؛ منطقه ای وسیع در بین النهرین.

قاراقوم و قفقاز و خلیج فارس و یا عربی داشتند.¹ حاکمان صفوی و قبیله های صوفی مسلک همراه آنان چند زبان مخصوص خود داشتند و چند قبیله دیگر را با خود متحد کرده بودند. در سرزمین ایران قسمتی کوچ نشین بودند. در کشاورزی و در کاشت گندم، جو، برنج و توتون رشد چشمگیری کردند. و میوه جات و بخصوص انگور هم از رشد خوبی برخوردار بود. پرورش ابریشم نیز خیلی پیشرفت کرد. آن زمان زمین ها در ایران بخوبی آبیاری می شد. در دامداری؛ پرورش گوسفند و بز رشد زیادی یافت. قبیله های کوچ نشین گُرد، بلوچ و گُر و ترکمانان به دامداری مشغول بودند. قالی بافی و پرورش پنبه خیلی رشد کرد. قالی و ابریشم فارس در همه جهان مشهور شده بود. چینی و بدل چینی و صنعتگری هم رواج کامل یافته بود. تجارت داخلی و خارجی پیشرفت داشت.

در سده هفدهم در ایران روابط فئودالی تثبیت شده بود و زمین و آب به مالکیت اشخاص درآمده بود. زمین های دولتی " دیوانی" نام داشت. قسمت های بسیار زیادی از زمین های ایران از آن دولت بود. زمین های مردمی که از آن خانواده ها بود و " حصه" نام داشت. همچنین زمین های موقتی در دست فئودال ها بود که با نام " جاگیر" ² از آنها یاد می شد. زمین هایی نیز در دست روحانیان بود که به آنها وقف یا ملک می گفتند. اما دهقانان زمین شخصی نداشتند و آنها زیر دست فئودال ها کار می کردند و سطح زندگیشان پایین بود. دهقانانی که با زمین کار می کردند رعیت نام داشتند. و مردمی که به دامداری مشغول بودند ایلات نام داشتند. فرمانروای بزرگ فئودال ها شخص شاه بود؛ اما وزیر کبیری که شاه او را تعیین کرده بود کشور را اداره می کرد.

در ادامه بحث به وضع ایران در دوره مقتدرترین شاه صفوی اشاره می شود و از آن به نوعی یاد می شود که گویا دوره اوج قدرت و حکومت در ایران است. برای مردم قزاقستان تاریخ عصر صفوی ایران حایز بیشترین اهمیت است. آنان به دنبال اسنادی هستند که رابطه مردمشان را با دولت صفوی تایید نماید. پررنگ شدن نقش یکی دیگر از همسایگان جنوبی قزاقستان یعنی افغانستان در پایان این مقطع تاریخی، انگیزه دیگر محققان قزاقی برای جستجوی مجدانه در کتب و اسناد روزگار صفوی است. از این رو انعکاس این موضوع در کتب تاریخی مدارس قزاقستان موجه به نظر می آید.

« در زمان شاه عباس اول صفوی (1583-1629 م.)، ایران به قدرت کامل رسیده بود. شاه عباس خانانی را که از او اطاعت نکرده بودند به دار کشید، اداره مرکزی را تقویت کرد و ارتشی با هدایت انگلستان تشکیل داد. در ارتش ایران، تسلیحات جدید آتشبار و توپخانه پدیدار شد. جمیعت پایتخت ایران یعنی اصفهان 500000 نفر شد. گردشگران خارجی از زیادی دکان در بازارهای شهر بسیار تعجب می کردند.

¹ قاراقوم؛ بیابان قراقوم در ازبکستان امروز است. لازم است از طرف دولت ایران رسماً یادداشتی به آموزش و پرورش قزاقستان ارسال شود تا با تکیه بر اسناد معتبر، جعلی بودن نام خلیج عربی گوش زد شود.

² پاره ای از زمین که سلاطین و امرا و منصب داران دهند تا محصول آن را از کشت و کار هر چه پیدا شود متصرف گردند و به اصطلاح ارباب دفاتر سلاطین هندوستان تیول و قدری از ملک که عوض ماهانه تنخواه نمایند. (دهخدا، مدخل جاگیر)

در اوایل سده 17 و آخر سده 18 آخرین شاه صفوی سلطان حسین رژییم بد فئودالی را به حد بحران رساند. برای نابود کردن سلسله صفویان، قبیله کانداکار افغانی آماده شده بود. ارتش آنان به فرماندهی میر محمود¹ به بهانه آزاد کردن قبیله های اسیرافغان در سال 1722 م. به ایران حمله کرد. در این سال پایتخت صفویان را فتح کردند و سلطنت سلطان حسین را به پایان رساند. میر محمود پادشاه ایران شد. اما اداره کردن همه افغان های موجود در ایران ممکن نبود. در شمال ایران، ارتشی علیه ارتش محمود افغان تشکیل شده بود و در آنجا مردم، قدرت را همچنان در دست داشتند. حاکمان صفوی برای رسیدن به قدرت در قفقاز با ترکان² هم چشمی و رقابت می کردند. برای رسیدن به این مقصود با ترکان نیز می جنگیدند³؛ اما مجبور بودند قسمت بزرگی از سرزمین خود یعنی قفقاز و مساپاتامیا را از دست بدهند. سرانجام سرزمین افغانان را از دست دادند. و بلاخره همه اینها باعث کم شدن تجارت خارجی ایرانیان شد.»

در ادامه درس، از وضع داخلی و خارجی ایران پس از صفوی یعنی از دوره نادرشاه سخن به میان می آید. نگاه مؤلفان کتاب به نادر شاه مثبت است. این نگاه مثبت قزاق ها ممکن است ناشی از همزیان یا هم نژاد دانستن خود با نادرشاه افشار باشد. از این رو متجاوز بودن محمود افغان مورد تایید قرار می گیرد.

« در آخر همین سده مردم ایران مبارزه علیه کشورگشایان افغانی را آغاز کردند. این مبارزه را کسی به نام **نادر** از قبیله ترکان⁴ هدایت می کرد. در سال 1729 م. نادر، افغان ها را از سرزمین ایران بیرون راند. به دنبال پیروزی برافغان ها در سال های 1730-1735 م. ارتش نادر مبارزه علیه ترکان را آغاز کردند. ترکان مجبور بودند از زمین هایی که اشغال کرده اند خارج شوند. نادر با استفاده از این اعتباری که کسب کرد مجلسی برپا نمود و بدین ترتیب خود را به عنوان شاه ایران معرفی کرد. سیاست نادر قوی کردن قدرت ایران بود. وی به قصد توسعه زمین های دولتی و حکومتی، زمین های فئودال ها و اصیل زادگان را مصادره کرد. و به قصد پر کردن هزینه های دولت، مالیات دهقانان را افزود و خود برای هدایت جنگ به راه افتاد. در سال های 1736-1739 م. به هند حمله کرد و آن کشور را غارت کرد. با وجود این، چند حمله وی بی نتیجه ماند و جنگ های طولانی وضع کشور و

¹ در ایران به نام محمود افغان شناخته می شود. محمود افغان پسر میرویس رئیس قبیله غلجایی است. وی در سال 1120 افغانان ایرانی را مغلوب ساخت و سردارشان اسدالله خان را به قتل رساند و این کار را خدمتی از جانب خود به درباریان اصفهان جلوه داد. در سال 1124 به قصد تصرف ایران به کرمان رسید لیکن لطفعلی خان والی فارس وزیر اعظم او را شکست داد و به قندهار گریزانند. در همان سال محمود دوباره به ایران حمله کرد و اصفهان را تسخیر نمود اما در سال 1127 به قتل رسید.

² ترکان عثمانی

³ منظور جنگ های صفویان و عثمانی ها باشد که خسارت بزرگی به مسلمانان وارد کرد و موجب تقویت اروپا شد.

⁴ نویسندگان نادرشاه افشار را ترک دانسته اند در حالی که وی متولد دستگرد از توابع دره گز یکی از شهرهای استان خراسان بود. در 17 سالگی به همراه مادر اسیر ازبکان شد. پس از آزادی از اسارت مبارزه با ملک محمود سیتانی آغاز نمود و شهرت بسیاری یافت تا اینکه به دربار صفویان راه یافت و در اثر دفع افغانان از شاه صفوی لقب طهماسب قلی خان را دریافت کرد. وی علاوه بر دفع افغان ها، عثمانی ها را از شهرهای همدان و آذربایجان بیرون راند. در این زمان شاه طهماسب صفوی قراردادی با دولت عثمانی و روسیه بست که به نفع ایران نبود این کار بهانه به دست نادر داد تا شاه طهماسب را از سلطنت خلع کند. و پسر هشت ساله او را به تخت شاهی نشاند. تا اینکه در سال 1148 م. رسماً خود را پادشاه ایران خواند. پس از سوء قصد از طرف فرزند خلق و خوی نادر دگرگون شد و رویه ستم و سخت گیری را بنا نمود تا این که به دست عده ای از رؤسای قبایل افشاریه و زندیه به قتل رسید. (معین، مدخل نادر)

تولیدات را کاهش داد. از بسیاری مالیات ها وضع مردم آشفته شد. بدین ترتیب مردم مبارزه علیه شاه را آغاز کردند، اما شاه، ناراضی های مردم را با شدیدترین صورت سرکوب کرد. این قهر و سرکوب شدید برای مردم خیلی سخت بود. در سال 1747 مبارزان شهر خراسان، نادر را به قتل رساندند. بدین ترتیب کشوری که وی ساخت یکباره خراب شد.

در ادامه شرایط پدید آمدن سلسله قاجار بحث می شود و از سلسله زندیان و شاهان آن هیچ سخنی به میان نمی آید و تنها با عبارت رقابت گروهی فتودال برای کسب قدرت از آنان یاد می شود. ممکن است این جهت گیری از آن روی باشد که طایفه زندیان از قبایل لر بودند در حالی که قاجاریان ترک نژاد بودند.

« به قدرت رسیدن قاجاریان در ایران ؛

بین گروه های فتودالی برای به دست آوردن قدرت و حکومت مدتی رقابت بدی ادامه داشت. آخر قرن 17 قاجارها به قدرت رسیدند. در سال 1794 آقا محمد خان به سلطنت رسید. پایتخت قاجاریان تهران بود. اراضی ایران از لحاظ تقسیم بندی اداری به ایلات و ولایات تقسیم شد. ولایات را حاکمان اداره کردند و ایلات را که از لحاظ وسعت، بزرگ بود و قدرت و حقوق و درآمد آنها نیز عظیم بود وارثان شاه در اختیار داشتند و اداره می کردند. بزرگان و روسای ایلات درآمد و عائدی خود را داشتند و مالیات مردمی را نیز خودشان جمع آوری می کردند و مجرمان و جنایت کاران را خودشان محاکمه می کردند و خودشان نیز کیفر می دادند. بعضی از فتودال ها و حاکمان از شاه تبعیت نمی کردند مخصوصاً فتودال های خراسان و کرمان. شاه مجبور بود آنها را کنترل کند. روحانیان دینی شیعه در زندگی اجتماعی مردم ایران نفوذ زیادی کردند. این گروه (روحانیت شیعه و صاحبان مکتب) مدارس و زمین ها¹ و محکمه ها را اداره می کردند.

اما در صفحه 229 این کتاب به وضع بین المللی ایران در اوایل قرن 19 می پردازد. چهره ای که از ایران در این مقطع برای ما و جهانیان ترسیم شده بسیار تلخ و ناگوار است ؛

« در آخر قرن 18 ایران کشور فتودالی عقب مانده بود. اما تا این زمان استقلالش را از دست نداده بود. در آخر قرن 18 انگلستان و فرانسه سیاست استعماری علیه ایران را آغاز کردند. در سال 1897 سفیران فرانسه برای قرار دادن ایران در مقابل روسیه و انگلستان، به ایران آمدند. بلافاصله با همین قصد نماینده انگلستان یعنی مالکالم² پیش شاه ایران آمد. وی با شاه قراردادی بست که طبق آن قرارداد فرانسویان نباید به ایران بیایند و اگر فرانسه حمله به هند را آغاز کند شاه ایران باید ارتش خود را به افغانستان ببرد. همچنین طبق قرارداد تجاری، انگلستان امتیازات زیاد گرفت و به جای آن امتیازات کمک تسلیحاتی به ایران را تضمین نمود. این قرارداد (ایران و انگلستان) عملاً علیه روسیه بود. شاه ایران، روسیه را رقیب خود در حاکمیت قفقاز می دانست. به این دلیل شاه در جستجوی یک متفق بود. متصل شدن گرجستان در سال 1801 به روسیه و سیاست ارمنستان و آذربایجان، شاه ایران را به تشویش انداخت. انگلستان و فرانسه برای رسیدن به مقصد خود در ایران سیاست بازی را آغاز کردند. بلاخره در سال 1804 جنگ ایران و روسیه شروع شد و ایران شکست خورد در حالی که از هیچ کدام از دو کشور متحد نتوانست پشتیبانی بگیرد.

در سال 1813 قراردادی بین ایران و روسیه به نام " گلستان " بسته شد. بر طبق این قرارداد ایران از زمین های داغستان و گرجستان و شمال آذربایجان دست کشید. روسیه امتیاز امکان داشتن نیروی دریایی در خزر را از ایران گرفت. روس ها امتیاز

¹ منظور زمین های وقفی و اموال عمومی است .

² ژنرال سرجان مالکالم تاریخ دان انگلیسی که در زمان فتحعلی شاه قاجار سفیر حکومت انگلیس هند در ایران بود. شهرت وی بخاطر کتابی است به نام « تاریخ ایران » که تاریخ جامعی است از ابتدای تاریخ سلاطین ایران تا سلطنت فتحعلی شاه قاجار.

تجارت روسیه گرفتند و بدین ترتیب نفوذ روسیه در ایران افزایش یافت. بعد از این انگلستان ادامه سیاست علیه روس ها را در ایران دنبال کرد. سال 1826 بار دیگر ایران با روسیه وارد جنگ شد. اما این جنگ برای ایران ناکامی کامل به همراه داشت. در ماه فوریه سال 1828 قرارداد ترکمان چای بین روسیه و ایران بسته شد. بر طبق این قرارداد مرز دو کشور رودخانه اراکس¹ تعیین شد و شرق ارمنستان به روسیه وصل شد. ایران مجبور بود به روسیه 20000 روبل جریمه پرداخت کند؛ این در حالی بود ایران کم کم و بطور پنهانی زیر دست کشورهای غرب می شد.»

در ادامه این مبحث سخن از قیام بابیان ایران در سالهای 1842-1852 به میان می آید.

« در چهلمین سال قرن 19 نارضایتی بین مردم ایلات تبریز، زنجان و اصفهان و یزد علیه حکومت ایران زیاد شد. و قیام هایی شکل گرفت. گردانندگان این قیام از گروه بابیان بودند. هدایت کننده و نماینده علم باب، سید علی محمد خود را با عنوان "باب" به مردم معرفی کرد. ترجمه کلمه "باب" دروازه است². کتاب بابیان "بیان" نام داشت. عقیده آنها این بود که از دروازه مهدی می آیند و به مردم رحمت می بخشند. سید علی محمد می گفت: قانون و کلمات قرآن کهنه شده و به این دلیل آنها باید آن را جدید و کامل کنند. بر طبق علم باب، مردم باید حق برابر داشته باشند و خارجیان و کسانی که به باب اعتقادی ندارند باید از ایران اخراج شوند. در سال های 1848 قیام بابیان از هر گوشه ایران دیده می شد. عموم شرکت کنندگان قیام، فقیران بودند. برای نابود ساختن قیام، وزیر کبیر - میرزا تقی خان - از شاه اجازه کشتن باب را طلب نمود. در سال 1850 در شهر تبریز ارتش شاه، باب را تیر باران کردند. بعد از کشتن باب، شاه ایران قیام های بابیان را با قهر شدید نابود ساخت.»

پس از واقعه باب، به نیمه مستعمره شدن ایران در نیمه دوم قرن نوزدهم اشاره رفته است. ورود سرمایه خارجی در این دوره و کثرت مستشاران آنان محدود به جهت توسعه صنعت ایران نمی شد بلکه اثر مستقیم بر سیاست های داخلی و خارجی ایران داشت.

« در نیمه دوم قرن 19 سرمایه خارجیان به ایران وارد شد. ایران به این دلیل به کشور نیم مستعمره تبدیل شد. امتیاز کشیدن سیم تلگراف را انگلستان گرفت. تلگرافی که آنها کشیدند ایران را به هند وصل کرد. برای آوردن سرمایه به ایران روس ها و انگلیسی ها رقابت داشتند. در سال 1886 کاپیتالیست انگلستان از شاه امتیازات استفاده از نفت را گرفت. و سال 1889 رویتز امتیاز ساختن بانک شاهنشاهی را اخذ نمود. در جنوب ایران نفوذ انگلستان افزایش یافت. در سال 1879 با تقاضای شاه روس ها شروع به آموزش ارتش ایران کردند. در سال 1890 پالیاکوف امتیاز ساختن بانک اعتباری از ایران را گرفت. در سال 1900 ایران از روسیه

¹ ارس

² در اوایل سلطنت فتحعلی شاه، شیخ احمد بن زین الدین (شیخ احمد احسائی) یکی از علمای افراطی شیعه از اهالی ساحل بحرین (احساء) به نشر عقایدی در باب اصول دین پرداخت. او از اصول دین توحید، نبوت، امامت را پذیرفت ولی عدل و معاد (جسمانی) را منکر شد و در عوض به رکن رابع باور داشت یعنی عقیده به یک نفر باب (وکیل و نایب) از میان شیعیان کامل که بین شیعه و امام غایب شیعه واسطه باشد. شیخ احمد ابتدا خود را همان واسطه نامید. پس از احسائی، سید کاظم رشتی هدایت شیخیه را به عهده گرفت. پس از وی سید علمی محمد شیرازی خود را باب نامید او در ادامه خود را همان امام غایب نامید و کتابی به نام «بیان» ارایه کرد که به زعم خود نسخه کننده قرآن بود. قیام بابیان با تیرباران سید محمد علی به قتلای علمای تبریز پایان یافت. (تاریخ ایران پیرنیا و اقبال آشتیانی ص 760 تا 771)

22.5 میلیون روبل اعتبار میگیرد. پیش از جنگ جهانی اول سرمایه گذاری روسیه به مبلغ 164 میلیون روبل رسید. آخر قرن 20 ایران از استقلال خود دست کشیده بود. شاه و شاهنشاه بازیچه کشورهای امپریالیستی شده بودند.»

« انقلاب ایران در سالهای 1905-1911 »

آخر قرن بیستم، بین گروه های گوناگون مردم، علیه سیاست های تضعیف ایران قیام هایی پدید آمد. مراجع دینی نسبت به تغییر وضعیت موجود هم قسم شدند. در این سالها چندین گروه محفلی تشکیل شد. سال 1905 انجمن ضد حکومتی به نام « مخفی» تشکیل شد. آنان قیام های ناراضیان را هدایت می کردند. اول قرن بیستم وضع اجتماعی ایران خیلی سخت بود. قیام های دیگری علیه گرسنگی و علیه حکومت پا گرفت. سال 1905 تظاهرات گسترده ای در مسجد عبدالعظیم برگزار شد. این گروه متحصن از حکومت وقت خواستار تشکیل عدالت خانه برای نیازها و تقاضاهای عمومی مردم شدند. برای پایان دادن به تظاهرات مردم، شاه قول داد به مطالبات آنها را رسیدگی کند. اما بعد از پایان تظاهرات، شاه اقدام به کیفر دادن به شرکت کنندگان کرد. در جواب این خشم و کیفر دادن شاه، در سال 1906 قیام دیگری شروع شد. این بار مردم از کنار رفتن شاه از مقام خود و قبول کردن قانون اساسی سخن گفتند.

در سال 1907 در ایران مجلس اول بر پا گردید و این علامت پیروزی انقلاب بود. در سالهای 1908-1909 بزرگترین مرکز انقلاب شهر تبریز بود. این بار هم شاه با کمک خارجیان در تبریز خونریزی کرد. انقلاب ایران تا سال 1911 تمام نشد. در طی این انقلاب قدرت شاه ضعیف شد. شاه ناتوانی های خود را قبول کرد و چشم امید به خارجیان داشت و همه اینها باعث شد ایران مستعمره کشورهای امپریالیستی شود و ایران در قرن بیستم کشور عقب مانده و نیمه مستعمره ای باقی ماند.»

بخش سوم

ایران در کتاب تاریخ جهان امروز¹ (کلاس نهم)

در این کتاب به وضعیت ایران در جنگ جهانی می پردازد و به بی تدبیری حاکمان ایرانی در تشخیص موقعیت خود و ضعف در تصمیم گیری ها اشاره می کند. ایران با وجودی که اعلام موقعیت بی طرفی کرده بیشترین خسارت جنگ را متحمل می شود. از منظر تاریخ نویسان قزاق، انگلیس و روسیه و آلمان هدفی جز تجزیه ایران نداشتند و حاکمان ایرانی در ذهن خام اندیش خود با اعتماد به آن ها موجب ویرانی ایران شدند. در صفحه 74 به بعد کتاب می خوانیم؛

« با وجود این که ایرانیان در جنگ جهانی سیاست بی طرفی داشتند اما سرزمین آنان مرکز رقابت کشورهای دو اتحادیه بود.² در سال 1914م. ارتش ترک ها استانهایی از ایران مثل آذربایجان را فتح کردند و تبریز و اورمیه را زیر دست خود گرفتند. در سال 1915 ارتش روسیه حمله علیه ترک ها را آغاز نمود و آنها را از آذربایجان بیرون راند. سال 1915 بر اساس توافق مخفی بین روسیه و انگلستان، ایران به دو قسمت تقسیم شد. در اوایل 1917 فاتحان، ایران را به سه کشور تقسیم کردند. در جنوب، انگلستان، در

¹ مولفان این کتاب؛ گ. کاجاحمتاف، ا. شوپگاف، م. غویابدوللینا - سال انتشار 2009

² منظور متحدین و متفقین است.

شمال ارتش روسیه و در غرب آلمان ها قرار گرفتند. در سال های جنگ، اقتصاد ایران رو به وخامت نهاد و بین مردم بیماریهای واگیری رواج یافت.

رشد جنبش استقلال طلبانه عمومی

جنبش استقلال طلبانه مردم ایران علیه کشورگشایان خارجی شروع شد. در راس رهبری این جنبش ها، جنبش شمال میرزا کوچک خان بود. وی طرفدار آزادی بود. گروهی که وی تشکیل داد " جنگلیان " نام داشت. انگلیسی ها به بهانه مبارزه با ارتش ترک و آلمان سال 1918 شمال غرب ایران را فتح کردند. و در نهم اوت سال 1919 پیمان حمایت از ایران را با قرار شروطی امضاء کردند. این شروط نا عادلانه بود و باعث جنبش استقلال طلبانه مردم آذربایجان ایران، گیلان و خراسان شد. در آن وقت روس ها با پیروزی بر مخالفان خود به بندر انزلی رسیدند. ارتش روسیه را رییس نیروی دریای خزر راسکولنیکوف و معاون مرکز قفقاز آرجا نیکیدزه هدایت می کرد. کوچک خان از آنها درخواست کمک تسلیحاتی کرد. روس ها ایران را تکیه گاهی در شرق می دانستند و لذا تقاضا کوچک خان را قبول را کردند و تسلیحات به ایشان دادند. کوچک خان کمک صمیمانه روس ها را - چرا که علاقه داشتند جنبش کوچک خان به پیروزی برسد - قبول کرد. روس ها با عجله شوراها کمیونیستی در آذربایجان تشکیل دادند و به ایران بردند.¹

5 ژوئن سال 1920 جمهوری گیلان اعلام شد. برای اداره این جمهوری تازه تاسیس کوچک خان را دعوت کردند. چهارم اوت سال 1921 جمهوری شوروی گیلان اعلام شد. اما این حکومت مصنوعی را ارتش مصنوعی² سرخ نتوانست حمایت کند. وقتی ارتش شاه نزدیک گیلان رسیده بود روسای جمهوری شوروی گیلان به سمت روسیه فرار کردند. بدین ترتیب ارتش شاه انقلاب گیلان را نابود کرد و حرکت و عملیات ساختن حکومت شورایی کوچک خان انجام نشد. «

در صفحه 75 به چگونگی رشد سیاسی و اقتصادی ایران پس از جنگ و پس از به روی کار آمدن رضاشاه توجه شده است.

« چگونگی رشد سیاسی و اقتصادی ایران بین سال های 1921-1935 »

اصیل زادگان ایران برای محکم کردن سیاست خود قدرت را از دست قاجاریان به شاه³ منتقل کردند. پالکونیک⁴ رضا خان لقب پهلوی گرفت و قدرتی جدید از خاندان شاهنشاهی را شروع کرد. حکومت جدید به ترتیب و نظم امور پرداخت. در سیاست خارجی نزدیک شدن به آلمان را می پسندید. روسیه و انگلستان سیاست نزدیک شدن به آلمان را پشتیبانی نمی کردند. رضا شاه به قصد قوی کردن اقتصاد ایران از کارخانجات بزرگ و کوچک پشتیبانی کرد. با سرمایه گزاری آلمان می خواست چند کارخانه بسازد. به ساختن جاده و راه آهن پرداخت. با حمایت انگلستان شرکت های نفتی رشد یافتند. بین شرکت انگلستان و ایران قرار داد

¹ شاید منظور کادر اصلی شوراها کمیونیستی ایران بود که برای آموزش به روسیه برده می شدند. البته ممکن است منظور بازگشت روس ها به سرزمین خود پس از تشکیل شوراها کمیونیستی در ایران باشد.

² حکومت جمهوری سوسیالیستی گیلان نوعی کپی برداری از روسیه شورایی بود.

³ رضاخان

⁴ Полковник به زبان روسی یعنی سرهنگ.

بسته شد. بر طبق این قرارداد شرکت های انگلیسی از فروش هرتن نفت بایست به ایران مالیات بپردازند. در جریان جنگ حرکت و عملیات مخفی آلمانی ها در ایران افزایش یافت. روس ها از ایران می خواستند تا عملیات آلمانی ها را قطع کنند ولی ایران گوش به آنان نمی کرد.

بیست و پنجم اوت سال 1941 روس ها از شمال به سرزمین ایران وارد شدند و از سمت جنوب نیز انگلیسی ها آمدند. این حادثه در تاریخ ایران به نام "حادثه شهریور" به یاد مانده است. بدین ترتیب روس و انگلیس از دو طرف ایران را فتح کردند. رضا شاه مجبور شد که از مقام خود کنار رود و تخت شاهی را به پسرش که 22 سال داشت واگذار کند. در نهم سپتامبر سال 1943 ایران وارد جنگ با آلمان شد. «

در صفحه 210 به ایران پس از جنگ جهانی دوم می پردازد. بحران فزاینده و گرانی و بی سامانی از ویژگی های این مقطع تاریخی ایران است. خشکسالی و قحطی و بیکاری این دوره را بسیاری از پیران امروز به یاد دارند. نتیجه این فشار اجتماعی، قیام ها و اعتراضات خیابانی فزاینده بود. همین امر خود بحرانی دیگر بود که هر گونه مدیریت درست را از حاکمان سلب می نمود.

« ایران بعد از جنگ دوم دنیا.

بعد از جنگ دوم ایران با بحران شدید روبرو شد. گرانی کالاها و غذا و کمبود کالاهای مصرفی، خشکسالی در روستاها مردم را به وضع سختی انداخت. از سوی دیگر بیرون راندن انگلیسی ها و آمریکایی ها از ایران هزاران ایرانی را بی کار گذاشت. جنبش استقلال طلبی جهانی در ایران نیز تاثیر کرده بود و احساسات ضد امپریالیسم مردم ایران بیدار شده بود. جنبش های ایران بین سال های 1949-1952 علیه شرکت نفت ایران و انگلستان بود. از سال 1953 این شرکت ها 454 میلیون تن نفت تولید کردند و 5 میلیارد دلار سود به دست آوردند در حالی که مبلغ مالیات که باید می پرداخت فقط 8 در صد بود. «

به دنبال چنین وضع نابسامانی اندیشه انقلاب سفید مطرح می شود. در صفحه 210 این کتاب، سبب به وجود آمدن انقلاب سفید و نتایج عملی آن بدین گونه تشریح می شود.

« در نتیجه قیام ارتش در سال 1953 کشور ایران به قدرت های غرب نزدیک شد. قرارداد ایران و بغداد امضاء شد¹. نشانه نزدیک شدن به غرب در این موارد دیده می شد؛ فقط در بخشهای نظامی ایران 4600 نفر آمریکایی کار می کردند این مستشاران در داخل کشور آداب و رسوم غرب را رواج دادند. آمریکایی ها برای کاهش تب جنبش ها، رفم را مصلحت وقت دیدند. سال 1942 رفم شروع شد. بعدها این رفم را "انقلاب سفید" نامیدند. بر اساس این رفم در طی سالهای 1962-1974 رشد اقتصاد، تنظیم مسائل ارضی و رشد بهداشت پزشکی باید انجام می پذیرفت. سال 1973 به زنان ایران حق رای در انتخابات دادند. عنصر خاص این رفم، مسائل ارضی بود. بر طبق این بخش از رفم، زمینداران بزرگ می بایست به خانواده های بی زمین، زمین بفروشدند. در نتیجه این رفم تقریباً 2.2 میلیون و دویست هزار خانوار زمیندار شدند. «

در صفحه 211 به انقلاب اسلامی مردم ایران می پردازد.

¹ راجع به این قرارداد هیچ اطلاعی به دست نیامد.

« ماه فوریه سال 1979 انقلاب ایران به پیروزی رسید و قدرت شاه نابود شد. در ایران رژیم جمهوری اسلامی ایران اعلام شد و بر طبق قانون اساسی 1979 رهبر دینی خمینی بود. آداب و رسوم اسلام زنده شد و ایرانیان بر طبق قانون اسلام زندگی می کردند.

نگاه تاریخ نویسان روس و قزاق به تاریخ و حوادث پس از انقلاب اسلامی نیز خواندنی و شنیدنی است. یکی از حوادث مهم پس از انقلاب جنگ تحمیلی بود. تحلیل این تاریخ نویسان مبتنی بر اطلاعات رسانه های جهانی و همسو با آنان است. جنگ ایران و عراق را نه یک تجاوز و زیاده خواهی یکسویه بلکه ناشی از مناقشات مرزی قلمداد می کند. از دولت موقت و دولت بنی صدر و دولت میر حسین چندان سخنی به میان نمی آید؛ اما از دولت هاشمی رفسنجانی به عنوان دولت سازندگی و حمایت کننده از بخش خصوصی یاد می شود. دولت خاتمی نیز دولت موفق در جذب سرمایه ها و اعتبارات خارجی و ایجاد فضای صلح و ثبات و حل مناقشات بین المللی معرفی می شود. بیشترین روابط ایران و قزاقستان نیز در دوره دولت هاشمی و خاتمی معرفی می شود. از صفحه 211 به بعد کتاب می خوانیم:

« ایران در سالهای 1980-1990

در ایران بعد از انقلاب، اقتصاد اسلامی مطرح گردید. حکومت جدید از کارخانجات و بخش خصوصی شروع به پشتیبانی کرد. در سال های 1980 ایران می خواست مسائل مرزی را با توسل به جنگ حل کند¹. جنگ ایران و عراق 1980-1988 هشت سال طول کشید. در اثر جنگ چندین ده و شهر خراب شد. انقلاب ایران ضد امریکاییان بود و به همین دلیل تا الان در روابط ایران و امریکا بهبودی حاصل نشده است. در جریان سال 1990 اداره سیاسی کشور دچار تحولات زیادی شد. دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی تمام شد و به جای وی پنجم اوت سال 1998 محمد خاتمی به ریاست جمهوری رسید. بعد آمدن خاتمی سرمایه گذاری خارجی با مجوز رسمی آزاد شد. تمام دارایی های خاندان پهلوی به انجمن "بی بختان"² واگذار شد.

در سال 1980 اقتصاد ایران نزول کرد. تولیدات داخلی کاهش یافت. این بستگی به رشد سریع جمعیت داشت. جمعیت ایران در سال های 1972-1976 به 61 میلیون نفر رسید. در نتیجه وضع مردم خراب تر شد. بعد از تمام شدن جنگ برای بازسازی اقتصاد و روبراه کردن وضع مردم، فرم لازم بود.

رییس جمهوری اسلامی محمد خاتمی اقدام به تحولاتی برای رشد اقتصادی کرد. با کمک سرمایه گذاران خارجی و استفاده از اعتبارات خارجی کارخانه های جدیدی ساختند. برنامه ای 5 ساله برای رشد اقتصادی تنظیم شد. خاتمی در سیاست خارجی از صدور انقلاب اسلامی دست کشید. وی برای برقرار کردن روابط با کشورهای خارج به روسیه، انگلستان و فرانسه سفر رسمی کرد. وی سیاست امریکا و اسرائیل را فاش کرد تا تولید اتم در ایران ادامه پیدا کند.

در ماه اکتبر سال 1992 رییس جمهوری قزاقستان نظربایوف به کشور ایران سفر رسمی داشت. برای بهینه سازی روابط دو کشور راه باز شده بود. سال 1993 سفر رفسنجانی به آلمانی و متقابل آن سفر نظربایوف به تهران نشانه روابط خوب دو کشور بود.

¹ این یعنی ایران آغاز کننده و ادامه دهنده جنگ هشت ساله بوده است. تبلیغات مسموم و یک جانبه دشمنان ایران بیش از آن که تصور می کنیم در بین ملل دنیا تأثیرگذار بوده است. لازم است مقامات مسوول ایرانی نسبت به اصلاح وضع موجود و اعتراض شدید به قزاق ها مسئله را پیگیری نماید.

² منظور کمیته امداد است.

وضع خوب ایران ناگهان در جریان انتخابات پارلمانی متغیر شد. اختلاف نظر بین کانسرواتورها¹ و رفرم کنندگان پدیدار شد. سال 2007 نظریایوف با احمدی نژاد و خامنه ای (رهبر انقلاب) ملاقات کرد و قرارداد هایی امضاء شد. طبق این قرارداد پس از این دو طرف می توانند از راه ها و جاده های یکدیگر برای حمل و نقل استفاده کنند.

در روابط سیاسی بین المللی هر دو رییس جمهور نظر واحدی دارند². در جریان گفتگوهای طرفین درباره برنامه اتمی ایران، رئیس جمهور قزاقستان اخطار کرد که برنامه اتمی ایران باید زیر نظر "ماپاته"³ باشد.

ماه اکتبر سال 2008 پنج دولت درباره ساحل دریای خزر با هم ملاقات کردند. در این نشست راجع به نحوه استفاده همسایگان خزر از منابع دریا گفتگو نمودند.

بخش چهارم

ایران در کتاب تاریخ دنیا⁴ (کلاس 10)

در این مقطع تحصیلی به دانش آموزان درباره تاریخ معاصر ایران بخصوص ایران در قرن بیستم و وضع ناسامان آن مطالبی آموخته می شود. در صفحه 122 می خوانیم:

«ایران در اوایل قرن 20

در اوایل قرن 20 ایران کشور عقب مانده با نشانه کاپیتالیستی بود. جمعیت ایران به بیش از 10-12 میلیون افزایش یافت. ایران از ملیت های زیاد تشکیل شده بود. بجز فارس ها در سرزمین ایران قبیله های دیگری چون؛ لرها، کردها، بلوچ ها، بختیاری ها، ترکمن ها، عرب ها زندگی می کنند. صنعت و شغل قبیله ها دامداری بود. از لحاظ سیاسی قسمت اول⁵ در نفوذ روس ها و قسمت دوم⁶ در نفوذ انگلیسی ها بود. حکومت ایران در جنگ جهانی نخست سیاست بی طرفی را گرفت. با وجود این که زمین های ایران محور رقابت کشورهای اتحادیه ای جنگی شد. در اوایل سال 1917 کشور ایران در زیر نظر و نفوذ سه کشور خارجی بود.

(1) سمت جنوب _____ ارتش انگلستان

(2) سمت شمال _____ ارتش روسیه

(3) سمت غرب _____ ارتش آلمان

¹ محافظه کاران

² با توجه به تاریخ تالیف کتاب منظور آقای نظربایف و آقای احمدی نژاد است.

³ منظور از «ماپاته» پیمان ام پی تی است.

⁴ مولفان؛ ک. کاجاحمتا، ا.چوپکوف، ا.قوبایدولینا - سال انتشار 2008

⁵ ممکن است منظور شمال ایران باشد.

⁶ منظور جنوب ایران است.

در کتب پیشین، مختصر این مطالب به دانش آموزان آموخته شده بود در این کتاب مطالب مبسوط تر گفته می شود. در ادامه به بحث رشد جنبش های استقلال طلبانه مردم ایران اشاره می شود. در رأس آن ها جنبش میرزا کوچک خان و جنبش گیلان مورد بررسی قرار می گیرد. نکته جالب این است که در تمام مواردی که از دولت های موقت جنگلی و گیلان یاد می شود از آن ها با اصطلاح مصنوعی و ساختگی نام برده می شود.

« رشد جنبش استقلال طلبانه

بعد تمام شدن جنگ جهانی اول ارتش آلمان و ترکان به سرزمین خود بازگشتند. روس ها نیز از سمت شمال بیرون رانده شدند. 50000 نفر ارتش انگلستان سعی کردند که نفوذ خود از دست ندهند. سال 1918 در ایران گروه وثوق الدوله از انگلیسی ها پشتیبانی کردند. نهم اوت سال 1919 قرارداد ایران و انگلستان امضاء شد. طبق قرارداد دولت را انگلیسی ها اداره می کردند. ارتش و اقتصاد دولتی ایران به حمایت انگلستان درآمد. تا زمانی که قرارداد در مجلس به تصویب نرسیده بود، انگلیسی ها ادارات را ریاست می کردند. این قرارداد بی عدالتی و نارضایتی بین مردم را موجب شد.

آذربایجان، گیلان، خراسان اولین مرکزهای جنبش استقلال طلبی بود. هدایت جنبش شمال ایران به دست کوچک خان بود. در آن زمان روس ها به دنبال شکست خوردگان گواردیای سفید¹ به بندر انزلی رسیدند. کوچک خان از آنها تقاضای کمک تسلیحاتی کرد و روس ها تقاضای آنها را قبول کردند. حکومت شوروی خیلی زود در قسمت آذربایجان ارتش تشکیل داد و به زودی به ایران اعزام نمود. چهارم اوت سال 1921 جمهوری شوروی گیلان تشکیل شد؛ اما این دولت مصنوعی را ارتش مصنوعی شورایی نتوانست حمایت کند. وقتی ارتش شاه سمت گیلان رسیده بود همه رؤسای حکومت گیلان به روسیه فرار کردند. بدین ترتیب تشکیل حکومت شورایی ساختگی به ناکامی رسید. ماه دسامبر سال 1921 ارتش کوچک خان، با هدایت کمونیست ها، حیدر² را کشتند. ارتش شاه با استفاده از همین اختلاف نظر علیه نیروهای آزادی خواه دست به حمله زد. سال 1921 کوچک خان تحت تعقیب فرار گرفت. سال 1922 ارتش شاه به قیام های آذربایجان و خراسان را خاتمه داد. بدین ترتیب اولین جنبش استقلال طلبی مردم ایران بی نتیجه ماند.

« رشد سیاسی و اقتصادی سال های 1921-1945

بیست و ششم فوریه سال 1921 در زمان جنبش مسکو بین دو کشور قرارداد دوستی امضاء شد. طبق این قرارداد حکومت شوروی از شروط زمان پادشاه سرکشی کرد و از ساختمانها و اعتباری سرکشیدند³ و کالاهایی را که آن وقت از ایران برده بودند پس دادند. مبلغ کالاهای پس داده شده بیش از 600 میلیون روبل بود. انگلیسی ها تشکل نظامی ناراضیان را از بین افسران ملی به وجود آوردند. فرمانده دیویزیون⁴، پالکاونیک رضا خان، آزاد کردن ارتش از چنگال انگلیسی ها و استقلال نظامی را وظیفه اصلی خود می دانست.

¹ ۴۴۴

² منظور حیدرعمواوغلو متحد اولیه میرزا کوچک خان است که در جلسه انقلابی در یاسیخان رشت با طراحی میرزا کوچک خان غافلگیر و کشته شد.

³ این بخش برای من نامفهوم باقی ماند. معلوم نشد به کدام واقعه اشاره می کند.

⁴ لغت فرانسوی به معنی واحد نظامی، لشکر (معین، مدخل دیویزیون)

بیست و یکم فوریه سال 1921 در تهران انقلاب رخ داد و قدرت به دست گروه بورژوازی درآمد. برای حکومت جدید، رضا خان به عنوان وزیر نظامی تعیین شد. گروه بورژوازی بعد از قوی شدن در صدد تصاحب تمام قدرت تمام برآمدند. با هدایت رضا خان سال 1921 رفرم نظامی صادر شد.

سال 1922 قوام السلطنه به حکومت جدید - که طرفدار گروه های بورژوازی و فنودالی بود - رسید. وی از طرف آمریکا به همکاری با میلیسپا¹ دعوت شده بود. میلیسپا از اقوام بانک داران آمریکا بود. وی در شرکتهای نفتی آمریکا نفوذ فراوان داشت. میلیسپا اداره خراج و جمع آوری مالیات و بودجه دولت ایران را عهده دار بود. ایران زیر نظر شرکتهای آمریکا درآمد بود و بدین گونه می خواست که امتیازات انگلیسی ها را تضعیف کند.

رضا خان با اتکاء به نیروی ارتش سیاست مطیع کردن قبیله ها و متحد ساختن آنها با قدرت مرکزی را در پیش گرفت. به این منظور در سال های 1922-1923 عملیات مطیع کردن قبایل تالش، شاهسون، خلخال، ماکین² شدید شد. در سال 1923 به دست اسماعیل سمیدکوم³ قیام کردها را نابود ساخت. بعد از قوی شدن رضا خان تحرک وی برای گرفتن قدرت از دست قاجاریان زیاد شد. سال 1923 احمد شاه قاجار، رضا خان را به مقام نخست وزیری پذیرفت.

رضاخان بعد از تثبیت کردن مقام خود راجع به گرفتن قدرت از دست احمد شاه اندیشید. سی و یکم اکتبر سال 1925 مجلس ایران به جای احمد شاه، رضا خان را انتخاب کرد. رضا خان به نام پهلوی قدرت را به دست گرفت و امور مملکت را منظم کرد. در سالهای 1925-1930 رضا شاه برای مدرن کردن ایران رفرم های بورژوازی را صادر کرد. برنامه های قانون مدنی و کیفر جنایتکاران اجراء شد و منابع ارضی را تثبیت کرد و محاکم را از دست روحانیون و دینداران خارج ساخت و به جای آن محکمه مدنی به وجود آورد. سال های 1923-1927 تصرف غیر قانونی زمین محدود شد و زمین های فنودال ها تثبیت شد. سال های 1935-1937 برای تقویت فرمانداران ده ها و روستاها آنها را به ردیف ماموران دولتی درآورد. برای وصل کردن ده ها و شهرها جاده ها و راه آهن زیادی ایجاد کرد. از سال 1928 قانون لباس پوشیدن با الگوی اروپا را صادر نمود. در شهرها، مدارس و دبیرستانهای آمیخته دختران و پسران باز شد. تا سال 1935 نام رسمی کشور "فارس" بود از آن به بعد آن نام به "ایران" عوض

¹ در آغاز نفوذ آمریکا در ایران و پیش از آن که سفارت آمریکا در ایران تاسیس شود انگلیسی ها حافظ منافع آمریکا در ایران بودند - سپردن گوسفند به دست گرگ - تا این که اولین نماینده آمریکا یعنی شوستر به ایران آمد. او با بی اعتنائی به سفرای روس و انگلیس دشمنی آنان را برانگیخت چون شوستر با بهائیت ارتباط داشت سفیر انگلیس از این طریق او را بین ایرانیان بد نام ساخت. با فشار روس و انگلیس آمریکا مجبور به بازگرداندن شوستر شد. آمریکا که تسلیم این دو قدرت شده بود بجای شوستر شخصی به نام کالدول را به سمت وزیر مختار به ایران فرستاد. او یک فراماسونر بود و نتوانست در ایران کاری انجام دهد. سرانجام آمریکا میلیسپا را به تهران فرستاد تا در صنعت نفت ایران نفوذ کند. اما حوادثی که در زمان او اتفاق افتاد روابط ایران و آمریکا را تیره کرد.

² ماکو

³ اسماعیل آقا ملقب به سردار نصرت معروف به سیمکو و مشهور به سیمیتقو. وی با دفع عثمانی ها از منطقه سلماس به شهرت رسید و همزمان با قدرت گرفتن روس ها در ایران از جانب آنان به مقام فرماندهی نیروهای مرزی سلماس نایل شد. وی زندگی پر فراز و نشیبی داشته است. وی در بین کردها محبوبیت خاص دارد. درباره مطلب مورد اشاره در متن به تحقیق دقیق تری نیاز است.

شد. نام گذاری به صورت گروه اصلی زادگان نبود شد و رسم نامیدن با فامیل به کار آمد¹. در نتیجه رفرم جدید، روحانیون نه تنها از حق داشتن محاکم بلکه از داشتن زمین ها هم ممنوع شدند². با سرمایه گذاری آلمانی ها چندین کارخانه ساخته شد. سال 1933 بین شرکت های نفتی با ریاست انگلیس و ایران قراردادی با امتیازات جدید امضاء شده بود. طبق قرارداد انگلستان از فروش هر تن نفت به ایران چهار شیلینگ بایست پرداخت. در سیاست خارجی، ایران نزدیک بودن به آلمان را می پسندید. در اکثر کارخانه آلمانی ها کار می کردند. آلمانی ها به ایران تسلیحات دادند و به بهانه استفاده از تکنیسین ها هزاران جاسوس آلمان به ایران آمدند. آلمان و ایران از نظر پشتیبانی از " اصل زادگان " هماهنگی بودند³.

در جریان جنگ جهانی دوم عملیات جاسوسی زیاد شد. دوازدهم ژوئیه سال 1941 بین حکومت شوروی و انگلستان برای متحد شدن در جنگ با آلمان تفاهم نامه ای امضاء شد. رئیس جمهور شوروی به طرف ایرانی نامه ای راجع به قطع کردن عملیات جاسوسی آلمانی ها در ایران نوشت. اما طرف ایرانی به این درخواست بی اعتنائی کرد.

بیست و پنجم اوت سال 1941 از سمت شمال روس ها و از سمت جنوب انگلیسی ها به ایران سرازیر شدند. در همین سال رضا خان مجبور بود از مقام خود کناره گرفته و از کشور خارج شود. پسر 22 ساله رضا خان یعنی محمد رضا پهلوی به تخت ایران نشست. نهم سپتامبر سال 1943 ایران جنگ با آلمان را شروع کرد و گروه های ضد هیتلر در ایران متحد شدند.

بخش پنجم

ایران در کتاب تاریخ جهان⁴ (کلاس 11)

در کتاب تاریخ این مقطع که سال آخر دبیرستان است به ایران توجه زیادی شده است. بیشترین مطالب این بخش متوجه ایران پس از جنگ جهانی است. از دوره پهلوی به عنوان دوره ترقی سیاسی و اقتصادی ایران یاد می شود. مهم ترین ویژگی این دوره قطع دست بیگانگان از نفت ایران و ملی شدن صنعت نفت به دست محمد مصدق است. به لحاظ فضای سیاسی داخلی از رژیم پهلوی به عنوان رژیم مستبد و خودکامه یاد می شود. علت پدید آمدن انقلاب اسلامی نیز فقر و تنگدستی مردم ذکر می گردد. از صفحه 182 به بعد این کتاب می خوانیم:

« رشد ایران بعد از جنگ دوم جهانی

¹ منظور شیوه نام گذاری از مدل عربی که فرزندان با این و بنت به پدر و مادر نسبت داده می شدند و نام خانوادگی وجود نداشت به شیوه امروزی تغییر یافت.

² به نظر می رسد منظور موقوفات باشد که از دست روحانیون خارج شد.

³ منظور ایرانی ها و آلمانی ها در اصل از یک نژاد و یک تاریخ بودند. به نژاد پرستی و برتر بودن نژاد ژرمن اشاره می کند.

⁴ ت.ت. سادقوف، ر.ر. قایریکوف، س.و. تیمچنکا - سال انتشار 2008

بعد از تمام شدن جنگ دوم جهانی اقتصاد ایران ضعیف شد و صادرات کالا کم و قیمت کالا گران شد. وضع معیشتی جامعه کاهش یافت. حاکمان ایران به جستجوی راهی برای بیرون شدن از بحران بودند. به این منظور اقدام به ملی کردن صنعت نفت ایران کردند. در آوریل سال 1951 پارلمان ایران قانون " ملی کردن نفت " را تصویب کردند و اجرای آن را به عهده حکومت مصدق که در سال 1953 تشکیل شده بود گذاشت. ملی کردن نفت مخالفت خارجیان را موجب گردید؛ چرا که این قانون دست شرکتهای خارجی را از نفت ایران قطع می کرد. در مقابل کشورهای خارجی برای ابراز نارضایتی روابط دیپلماسی خود با دولت محمد مصدق را قطع کردند.

شاه ایران آن زمان محمد رضا پهلوی با کمک نظامیان و امریکاییان علیه نخست وزیر به دشمنی برخاست. سال 1953 محمد مصدق تحت تعقیب قرار گرفت و مجبور شد در زندان برای دوسال بماند. تمام قدرت به شاه برگشت. حکومت جدید روابط با انگلستان را از نو سامان داد. بدین گونه با شرکت های غربی کاملاً هماهنگ شد. سال 1953 ایران با کنسرسیوم بین المللی قرارداد امضاء کرد. ایران نفع خود را از فروش نفت افزایش داد ولی کشورهای خارجی فرصت فروش نفت ایران به بازار بین المللی را ندادند. مبارزه علیه اتحادیه های آزادی قوی تر شد و در ایران رژیم مطلق العنان پا گرفت. شاه شخص اول مملکت در کشور شد. وی بدون مشورت با پارلمان، نخست وزیر و دیگر وزیرها را خود تعیین کرد.

انقلاب سفید

در اوایل سال 1960 شاه در ایران " انقلاب سفید " را اعلان کرد. مقصد این رفرم از بین بردن روابط فئودالی در ده ها و رشد اقتصاد بود. هم رفرم زمینی که محدود کردن زمین با ملی نمودن و به صورت اعتباری واگذار کردن آن ها به دهقانان برای 15 سال بود. رفرم در کارهای دهقانان به نتیجه خوبی نرسید و فقیران زیاد شدند و مجبور بودند برای جستجوی کار به شهر منتقل شوند. دیگر رفرم ها عبارت بود از؛ ملی کردن جنگلها و دادن حق رأی به زنان در انتخابات و خصوصی سازی و شخصی کردن اداره های دولتی بود.

اکثر درآمد حاصل از فروش نفت برای سرمایه گذاری به مواد معدنی و برای خریدن ابزار خارجی و اجیر کردن متخصصین از خارج صرف شد. کارخانجات گاز و ساخت ماشین آلات پدید آمد. ایران از کشوری کشاورزی به کشوری کشاورزی صنعتی تبدیل شد. رفرم های انجام شده بیشتر به نفع شاه و نزدیکان شاه بود و همین باعث فقر مردم شد. سال 1975 ایران از سیستم چند حزبی به سیستم تک حزبی عوض شد. بلاخره گروه های ضد سیاست شاه بسیار شد.

در صفحه 184 و در ادامه بحث چنین آمده است؛

« انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران

سال 1978 انقلاب ضد رژیم شاه شروع شد و در آن همه گروه های مردم ایران شرکت کردند. در رأس شعارهای انقلاب و دعوت مردم به آن، نابود کردن رژیم شاه و از بین بردن فاصله بین ثروتمندان و فقیران و دور انداختن سرمایه های خارجی، همچنین جایگزین کردن ارزش های اسلامی بود. سال 1979 شاه از کشور فرار کرد و حکومت به دست حکومت موقت افتاد. آنها قدرت را به دست رهبر انقلاب یعنی آیت الله روح الله موسوی خمینی دادند. در همین سال در ماه آوریل کشور ایران به نام جمهوری اسلامی ایران تغییر نام داد. سال 1979 قانون اساسی جدید تصویب شد.

بر اساس قانون اساسی مقام قانون گذاری پارلمان است. یک دفتر رئیس جمهوری هم وجود دارد. قانون اساسی ایران شکل اداری اسلامی را به وجود آورد. در رأس حکومت ایران رهبر است و وی مستقیم با امر الله کار می کند. رهبر حق تعیین کردن

رئیس جمهوری را دارد. پارلمان زیر نظر شورایی است که از 12 نفر با مقام "آیت الله" تشکیل شده¹ کنترل می شود. بر طبق قانون اساسی فعالیت سیاسی احزاب در ایران و اتحادیه های غیر اسلامی ممنوع است. تا الان هم حتی روحانیون مسائل ارضی را حل نکردند. 80 درصد زمین ها مثل قدیم الان هم در دست ثروتمندان است و 20 درصد آنها در دست روحانیون است. و مسائل اقوام و نژادها هم حل نشده است. کردها و ترکمن ها و بلوچ ها از حکومت ایران، خودمختاری می طلبند.

در ادامه و در صفحه 185 می خوانیم:

« ایران در هفتادمین سال قرن 20 و اوایل قرن 21

جنگ ایران و عراق سالهای 1978-1979 به اقتصاد ایران زیان بزرگی وارد کرد و بیش از 600000 نفر شهید شدند. حکومت ایران با مشکل رو به راه کردن اقتصاد و پیدا کردن راه برای خروج از بحران مواجه بود. سال 1979 پس از تعیین رفسنجانی برای حل این مشکلات، استفاده از سرمایه گذاری خارجی به راه افتاد و متخصصین از خارج برای آموختن تکنولوژی جدید دعوت شدند. تغییرات در قانون اساسی ایران اعتبار و نفوذ رییس جمهور را بالا برد. وی برای تثبیت احزاب و اتحادیه ها تلاش شد. پس از رفرم اقتصادی، ایران کشور لیبر در خاورمیانه شرق شد. در سال 1998 سید محمد خاتمی رییس جمهوری شد و رفرم را ادامه داد. ولی نتوانست نفوذ روحانیون را ضعیف کند و سیستم ایران را عوض کند. روحانیون سرانجام بر وی پیروز شدند. در سال 2005 با کمک سنت گرایان محمود احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهور تعیین شد. وی در راه تقویت اقتصاد به گرفتن کمک از سنت گرایان تمایل داشت؛ چون وی خودش از شرکت کنندگان فعال "انقلاب اسلامی" بود. بعد از تعیین رئیس جمهوری ایران تمام قدرت اداری به دست سنت گرایان برگشت. بعد از آمدن احمدی نژاد سیاست خارجی ایران فعال تر شد. نیروی ارتش ایران روز به روز قوی تر شد.

جهانیان انتظار دارند که ایران اتم را در جهت صلح به کار برد. به این خاطر آمریکا به سازمان ملل متحد از ایران شکایت کرد که ایرانیان اسلحه اتمی می سازند. طبق قرارداد سال 2006 سازمان ملل متحد ایرانیان حتی به قصد صلح هم نمی توانند اورانیوم را غنی سازی کنند. ایران در حال توسعه خدمات اتحادیه ای محلی است. در سال 2005 ایران به مقام کنترل کننده اتحادیه شانگهای نائل شد.

ایران در سیاست خارجی آسیای میانه همیشه نفوذ خاص داشته و دارد. سال 1992 بین قزاقستان و ایران قرارداد امضاء شد. همکاری اقتصادی و تجارتي مهمترین نقطه این قرارداد می باشد.»

¹ منظور شورای نگهبان قانون اساسی است.

منابع

- ایران در زمان ساسانیان ؛ کریستین سن ، مترجم رشید یاسمی ، بهزاد : تهران 1390
- تاریخ ایران ؛ حسن پیرنیا و عباس اقبال آشتیانی ، نگارستان کتاب ، تهران 1389
- خراسان و ماوراءالنهر ؛ الکساندر مارکوویچ بلنیتسکی ، مترجم پرویز ورجاند ، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی : تهران 1371
- فرهنگ روسی فارسی ؛ گرانت وسکانیان ، بشارت : تهران 1382
- فرهنگ فارسی ؛ محمد معین ، امیر کبیر : تهران 1375
- کتاب سال هفتم تاریخ جهان ؛ مؤلفان س. ماشیمبایف ، س. تاریبایف ، م. ماژنوا ، و. تکاچنکا : 2007
- کتاب سال هشتم تاریخ جهان ؛ مؤلفان ؛ ن. الدابک ، ک. کاجاحمتولی ، م. ماکاشوا ، ک. بایزاکووا : 2008
- کتاب سال نهم تاریخ جهان ؛ مؤلفان این کتاب ؛ گ. کاجاحمتاف ، ا. شوپگاف ، م. غویایدولینا : 2009
- کتاب سال دهم تاریخ جهان ؛ مؤلفان ؛ ک. کاجاحمتاوا ، ا. چویکوف ، ا. قویایدولینا : 2008
- کتاب سال یازدهم تاریخ جهان ؛ مؤلفان ت. ت. سادقوف ، ر. ر. قایربکوف ، س. و. تیمچنکا : 2008
- لغت نامه ؛ علی اکبر دهخدا ، چاپ دوم از دوره جدید : 1377